

جان رفقا رحیم اسد الهی و صمد اسلامی در خطر جدی است!

کارگر، و زحمتکش، در اسفندماه سال ۶۲ دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه جلاخان در بیدادگاههای رژیم، به پنج سال زندان محکوم گردید. ایستادگی و پایداری رفیق، رژیم ورشکسته و سبهاکار خمینی را که برای درهم شکستن مقاومت زندانیان به هر جنابیتی دست می‌زند، واداشت تا او را یار دیگر در بیدادگاه شرع محاکمه و این بار به اعدام محکوم کند.

اخبار واصله همپنین حاکی از آن است که جان بقیه در صفحه ۳

هم میهنان گرامی! براساس اخبار واصله، علاوه بر رفیق اثوئیروان لطفی، عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان، اکنون جان رفقا، رحیم اسد الهی و صمد اسلامی، کادرهای برجسته و قدیمی سازمان نیز به جرم دفاع از سلاح، آزادی و منافع زحمتکشان و ایستادگی قاطعانه در برابر دژخیمان رژیم در زندان، در خطر جدی قرار گرفته است.

رفیق صمد اسلامی، کادر قدیمی و برجسته سازمان و مبارز استوار و نوابت قدم راه و آرمان طبقه



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۶۶ برابر ۱ فوریه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۳

یک اعتراف، یک سند:

ورشکستگی اقتصادی

از ۲۸ طرح عمرانی که می‌بایست طی دو سال گذشته اجرایی گشت تنها به طرح آنهم با یکسال تاخیر به اتمام خواهند رسید

نقش افشاگرانه‌ای دارد. سخن از اعتبارات و فعالیت‌های عمرانی است و همین نیز نگاهی دیگر است به همان مسئله ورشکستگی و بحران حاد اقتصادی از زاویه‌ای دیگر. فادی اعتراف می‌کند که فعالیت‌های عمرانی کشور متوقف شده و حتی پروژه‌های کوتاه مدت نیز، در اثر کارکرد دولت به پروژه‌های درازمدت بدل شده‌اند. پیش از آنکه به "سند" ورشکستگی اقتصادی کشور بپردازیم، ضرورت دارد که متذکر شویم که جمهوری اسلامی، با درهم آمیختن دو مفهوم "اعتبارات جاری" بقیه در صفحه ۱۱

بیرامون ورشکستگی و بحران حاد اقتصادی، سخن فراوان رفته است، اما اعترافات خودافشاگرانه مقامات حکومتی، گرچه که نیت تضعیف جناح مقابل را دنبال می‌کند، در دریافت حدت این بحران و میزان این ورشکستگی موقعیت ویژه‌ای دارند. از آن جمله است اعترافات غلامحسین نادی نماینده مجلس، که در روزنامه رسالت ۲۶ دیماه بازتاب یافته است. اعترافات این نماینده مجلس گرچه تنها به مسئله فعالیت‌های عمرانی محدود مانده است، ولی همین اعترافات در جایگاه خود به مثابه سندی بر ورشکستگی کل اقتصاد کشور،

قیغ "حکم حکومتی"، قاچه حد بر است؟

به دنبال فتوای خمینی، دولت موسوی حمله به مخالفین حکومتی خویش را به عرصه اجرایی کشاند

گوشه‌ای است که سرنوشت کمکس نه یک بار برای همیشه و نه با یک حکم و فتوا، بلکه با گذشتن از مراحل کوناگون - که آخرین و تعیین کننده‌ترین آن مرحله اجراء است - رقم می‌خورد.

"ولایت مطلقه" کماکان موضوع بحث آخوندهاست. در روزهای ۲۸ و ۲۹ دیماه، "سینار" ائمه جمعه سراسر کشور با عنوان "تبیین ولایت مطلقه فقیه" در تهران برگزار شد. در این گردهمایی، اعضای شورای نگهبان و شورای عالی قضایی و سایر آخوندهای مهم حکومتی شرکت داشتند. در سینار، توجیهات اسلامی برای بقیه در صفحه ۲

در شماره گذشته، نوشتیم که با موضوعگیری صریح خمینی، کمکس سیاسی بر سر حدود اختیارات دولت اسلامی در عرصه اقتصادی، لاقدر در این دور به پیروزی یک جناح انجامید، جناحی که در مجلس آخوندی و کابینه دست بالا را دارد و می‌خواهد برای پیشگیری از "طغیان فقرا"، یک سلسله تدابیر مانند کنترل قیمت‌ها و غیره را اتخاذ کند. در عین حال یادآور شدیم که "فتوای امام" عاملی نیست که همواره و همه‌جا، به سود یک جناح عمل کند. درگیری‌ها ادامه خواهد یافت؛ اولاً انتخابات مجلس در پیش است و ثانیا موضوع اصلی اختلاف، یعنی اقتصاد، به

یک مقام نظامی اسرائیل:

دستشان را بشکنید تا سنگ پرتاب نکنند!



یک مادر فلسطینی در نواحی اشغالی کرانه غربی رود اردن برای رهایی فرزند خردسالش از چنگال اشغالگران اسرائیلی تلاش می‌کند

بقیه از صفحه اول

"ولایت مطلقه" عنوان شد. موسوی نخست وزیر رژیم در این نشست سخنرانی کرد و اظهار امیدواری نمود لایحه‌هایی که دولت وی در مورد بازگشت خارجی، وضع مالیات و... ارائه می‌کند، مورد تصویب قرار گیرد. "انجمن جمع" در نشست خود قطعنامه‌ای تصویب کرد و خواهان تسریع در "رفع تنگناهای موجود... در زمینه‌های مالیات، تجارت خارجی، تعاونی‌های خصوصی و دولتی، زمین و مسکن، ارز و تورم و مسایل بانک‌ها و دهها مشکل پیچیده اجرایی و قضایی" شدند.

در بحث‌های جاری میان آخوندها، فعلاً جناح "فقه سختی" در موضع تدافعی است. همه چهره‌های سرشناس این جناح، مانند مهدوی‌کنی، آذری‌قمی، خزعلی، صافی، بزدری و... می‌گویند "ولایت مطلقه فقیه" را پذیرفته‌اند. اما همانگونه که در شماره گذشته نیز اشاره کردیم، تلاش عمومی آنها این است که با عنوان کردن اینکه "فتوای امام چیز تازه‌ای نیست"، نگاه‌اند تحولات اخیر تاثیراتی کیفی بر تناسب قوا داشته در عرصه عملی بازتاب یابد. موسوی خوئی‌نی‌ها دادستان کل و از طرفداران وضع محدودیت‌هایی برای غارت سرمایه‌داری به سود تقویت دستگاه دولتی، به این گونه موضع‌گیری‌ها - و از جمله اظهارات مهدوی‌کنی - چنین پاسخ داد: "اینجا یک مغالطه‌ای که می‌شود این است که می‌گویند این فتاوی چیز تازه‌ای نیست. بله، برای امام چیز تازه‌ای نیست... اما، ما به چیز تازه‌ای رسیده‌ایم این هم به این معنی نیست که ما قبلاً کتاب ولایت فقیه و یا نظر فقهای بزرگ گذشته را نسبت به ولایت فقیه ندیده و شناخته بودیم... این فتاوی از آن جهت تازه است که ما خیلی چیزها از اصول یادمان رفت... از جمله اصولی که یادمان رفت این بود که حکومت در ارتباط با اداره جامعه چه حقوقی دارد." (کیهان ۲۷ دی) موسوی خوئی‌نی‌ها در مصاحبه‌اش با کیهان نسبت به اعلام وفاداری جناح مقابل به خمینی، اظهار بی‌اعتمادی کرد و گفت: "کمان می‌کنیم اگر کسی امروز آمد و گفت من امام را قبول دارم این حتمی در عمل هم می‌تواند خط امام را عمل کند... فلائی تا دیروز می‌گفت این کارها خلاف شرع است... حالاً که پذیرفته‌مانی خواهیم بگوییم چون تا دیروز قبول نداشته برود زندان، بحث این است که آیا این می‌تواند

بباید خط امام را پیاده کند... این تفکر نمی‌تواند در خط امام باشد... کربوبی نیز در سخنانی در کرمان موضع مشابهی گرفت و اظهار داشت: "یکبار دیدم افرادی شدیداً دم از فقه سختی می‌زنند و یک دسته بچه مسلمان را دارند که ولورده می‌کنند... با همین حرف‌ها چوب لای چرخ می‌گذاشتند و کارشکنی می‌کردند... در این چند سال حرکتی داشتند که متأسفانه جلوی خیلی از کارهای اساسی را گرفتند... من به شما با مرامت می‌گویم دوره دوم مجلس شورای اسلامی پایان یافت اما نتوانست بخاطر همین خط فکری آن کارهای اصولی را که امام انتظار

داشت و صراحتاً دستور داده بود انجام دهد." (رساله ۲۸ دی)

کوششهایی برای به حرکت درآوردن ابواب "حکم حکومتی" آغاز شده است. در روز ۲۰ دی موسوی نخست وزیر اعلام کرد "قرار شد که از این پیام استفاده شده و کمیسیون‌هایی در دولت تشکیل شود و لویح مهم نیز بررسی شود. برای لویحی که در مجلس است... باید پس از بررسی راه‌حلی پیدا شود... همچنین مقرر شد لویح و طرح‌های جدیدی در دولت طرح شود." (کیهان ۲۰ دی) امامی کاشانی سخنگوی شورای نگهبان نیز گفت: "شورای نگهبان بسیاری از مصوبات مجلس را که قبلاً از نظر این شورا رد شده بود مورد تجدید نظر قرار خواهد داد... لایحه کار با توجه به بیانات اخیر امام تایید خواهد شد..." (کیهان ۲۲ دی) در هیئت دولت در روز ۲۷ دیماه "بحث در مورد لویح و طرح‌های معوقه... ادامه یافت و در مورد لویح بازگشتی خارجی، سیستم توزیع و چند لایحه دیگر تصمیم‌گیری شد." (کیهان ۲۷ دی) در روز پنجشنبه اول بهمن، بررسی "لایحه مالیاتهای مستقیم" در مجلس آغاز شد. دولت همچنین لایحه‌ای با عنوان "مالیات بر ارزش افزوده" به مجلس داده است. منبر کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس در توضیح این لایحه گفت: "میزان کسر بودجه رو به افزایش است و درآمد نفت با نوساناتی رو برو گردیده است از این رو به دولت تکالیفی واگذار شده و می‌بایستی مالیات جایگاه خودش را در اقتصاد کشور ایفا کند." - مجلس،

"یک فوریت" این لایحه را تصویب نکرد. تیغ "حکم حکومتی" در این مورد نتوانست از خود برایی نشان دهد و هر روز جناح نیرومند طرفدار "بازار اسلامی" بچرید. بررسی این لایحه برای مدتی به تعویق افتاد.

جناح "فقه سختی" ضمن دست زدن به یک عقب فشیخی منظم، فکر فردارام می‌کند و در صدد است پس از خوابیدن سروصداها، مانع اجرای تدابیر مورد نظر جناح مقابل شود. امامی کاشانی سخنگوی شورای نگهبان گفت: "برداشت بنده این است که فرمایش امام برهم زنده قانون اساسی نیست. یعنی همان مطلب است و فرضاً مصلحت را مجلس باید تشخیص دهد،

تیغ "حکم حکومتی"، تا چه حد برآست؟

البته این در اختیار ولی امر است که به هر کس خواست این اختیارات را بدهد و می‌تواند بعداً هم بگیرد... گاهی ممکن است مواردی مهیم باشد و مجلس به عنوان مصلحت اندیشی تصویب می‌کند وقتی به شورای نگهبان می‌آید، تشخیص دهد مصلحت اندیشی نیست و با اساس اسلام یابکی از اصول قطعی مغایر است آنوقت آنرا رد می‌کند." (کیهان ۲۲ دی).

همزمان با بحثها در باره "ولایت فقیه" و الزامات اجرایی و عملی آن، در جناح خود را آماده انتخابات می‌کنند. روزنامه "کیهان" در شماره ۲۱ دیماه خود در مقاله‌ای تحت عنوان "آیا ناظرین انتخابات شورای نگهبان بی‌طرفند؟" نوشته آخوندی، بنام محمدعلی انصاری کرماتی ضمن سرزنش امامی کاشانی نماینده شورای نگهبان در هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات به علت خودداری او از پرداختن به فتوای اخیر خمینی در نماز جمعه ۱۸ دیماه، "بی‌طرفی" ناظرین انتخابات مقصوب شورای نگهبان را به زیر سؤال کشید. متقابلاً روزنامه "رساله" که در همین مقاله مورد حمله قرار گرفته بود، به مقاله "کیهان" پاسخ داد و نویسنده آن را "موج سوار" نامید. در روز ۲۹ دی ناطق نوری از رهبران "جامعه روحانیت مبارز تهران" در نطقی در مجلس به سخنان خلخالی پاسخ داد. او گفت: "امام بزرگوار امر فرمودند بر علما و اندیشمندان است که ابعاد گسترده این بحث را تبیین نمایند نه اینکه به بهانه طرح بحثهای ولایت فقیه عده‌ای سواستفاده نموده و بخواهند خرده حسابهای خود را با

دیگران تسویه نمایند... ناطق نوری افزود "جامعه روحانیت مبارز" علیرغم حملات مخالفان کار انتخاباتی خود را آغاز کرده و لیستی از کاندیداها اعلام خواهد کرد.

خلخالی در جلسه اول بهمن مجلس متقابلاً گفت: "ناطق نوری" در واقع "رجزخوانی" کردند و به عقیده بنده یک نطق انتخاباتی بود... شما گفتید که مثلاً آقای خلخالی به حزب جمهوری بدگفته... شما مهره چینی می‌گردید و از قدیم هم چه و چه می‌کردید و امام امت هم مرتب تذکر می‌دادند مخصوصاً شخص شما اینچوری بودید تا خلاصه کار به جایی رسید که امام حکم تعطیل حزب جمهوری و به عقیده بنده حکم انحلال حزب جمهوری دادند... انشالله انتخابات هم به خوبی برگزار می‌شود. اما آقای ناطق نوری با این نطقی که علیه من کرد کلی از آرای خود را از دست داده است." (کیهان اول بهمن)

رفسنجانی در نماز جمعه ۲۵ دیماه در مورد انتخابات گفت: "مبادا پایه را بر تهمت، افترا و تخریب رقیبها بکند... مبادا او حالا زمینه‌سازی کنید که رقیبانتان را در جامعه بی‌آبرو کنید... به کسانی که تریبون دستشان است، هر جا هستند در مجلس، در نمازهای جمعه، در صدا و سیما، در روزنامه‌ها... به آنها می‌گویم، تکلیف شما این است که از این تریبونهای عمومی به نقم اشخاص معینی استفاده نکنید." با نظری کوتاه به آرایش صحنه کارزار انتخاباتی آخوندی، کاملاً پیداست که خود رفسنجانی هم می‌داند این "توصیه اخلاقی" تا چه حد اثر دارد. رفسنجانی بهتر از هر کس می‌داند که وقتی پای قدرت و غارت در میان است، آخوندها حرف "امام" شان را هم به پیشبازی نمی‌خورند تا چه رسد به توصیه‌های مباشر او. تحولات اخیر به سود یک جناح عمل کرده است، اما نه خمینی می‌خواهد کار را "یکسره" کند و نه جناح دیگر شکست نهایی را متحمل شده است؛ اگر از سنگر "فقه سختی" نشد، او "باب مصلحت" وارد می‌شود و امکان مخالفت با هر اقدام جناح مقابل را برای خود محفوظ می‌دارد. فعلاً مهمترین عرصه، عرصه حفظ و کسب نیرو در مجلس آینده است. آخوندها مصاف را آغاز کرده‌اند. به موازات این مصاف، بحث در مورد کاربست "حکم حکومتی" در مورد قوانین و اقدامات مربوطه به مسائل مختلف اجتماعی - اقتصادی ادامه خواهد یافت. آینده نشان خواهد داد "حکم حکومتی" تا چه حد موثر می‌افتد.

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جان رفقا رحیم اسد الهی و صد اسلامی در خطر جدی است!

بقیه از صفحه اول

رفیق رحیم اسد الهی، کادر سابقه و برجسته سازمان نیز در خطر است.

رفیق اسد الهی از کادرهای قدیمی و بر سابقه است که سالهای مستمر علیه رژیم چنایتکار شاه، مسلحانه رژیم و در انقلاب بهمین باتمام توان شرکت جست و بعد از انقلاب، با استواری و پیگیری در راه اشجام وظایف حزبی خود مبارزه کرد و در اردیبهشت ۱۳۶۲ به اسارت دژخیمان درآمد. رفیق اسد الهی در پاسداری از سنت فدائیان، شکنجههای وحشیانه بقرون وسطائی جلادان رژیم فقها را با سرافراشته تحمل کرد و به پیکار با ارتجاع در شرایط دشوار شکنجه گاه ادامه داد. اکنون نیز بعد از پنج سال اسارت، همچنان تحت شکنجه و بازجوئی است و خبر می رسد که جلادان قصد جاننش را کرده اند.

هم میهنان مبارز!

این رفقا، قیام، فرزندان انقلابی شما هستند که اینک در زیر سلطور خون ریز جلادان کمیته و اوین، در آستانه مرگ قرار گرفته اند. آرمان آنها رهائی مردم از جنگال فقر، جهل، ظلم و ستم است. به حمایت از آنها برخیزید. نگذارید فقهای آزادی کش، فرزندان شجاع و مبارز شما را نابود کنند. اعتراض شما می تواند جلوی وقوع اینگونه جنایات هولناک را بگیرد.

بشریت ترقی خواه جهان!
نیروهای پاسداری حقوق بشر!

رژیم حاکم بر ایران، گروه، گروه فرزندان انقلابی مردم را به جرم دفاع از صلح و آزادی و بهروزی مردم ایران، به جوخه های مرگ می سپارد. اکنون داس مرگ رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی، دور زنده دلاور، دو قهرمان یابنداری و مقاومت و دو مبارز بر سابقه راه صلح، آزادی و حقوق انسانها، رفقا رحیم اسد الهی و صد اسلامی را هدف گرفته است.

ما به نام مردم زجر کشیده ایران از شما می خواهیم از جان این رزمندگان انقلابی و آزاده، دفاع کنید. اعتراض شما به رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و حمایت قاطع شما از انسانی که اکنون در آستانه مرگ ایستاده اند، می تواند به نجات جان آنها از مرگ یاری رساند.

رفقا و همزمان

بسیج افکار عمومی در ایران و جهان می تواند جلوی ترور رفقا، لدائی، اسد الهی و اسلامی، فدائیان قهرمان و پیکارچورا بگیرد.

مبارزه در راه بسیج همه امکانات ملی و بین المللی علیه جنایات رژیم، می تواند امکان جلوگیری از وقوع جنایات تازه را بیشتر سازد. برای فجات جان رفقا، انوش، صد و رحیم، باتمام قوا پیکار کنیم.

راسترباد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، شکنجه و اعدام

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهمن ماه ۱۳۶۶

«لایحه بیمه بیکاری در جمهوری اسلامی»، وهفت خوان آن

مصاحبه ای با چهارتن از نمایندگان عضو کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده بود: «این لایحه برای دولت بار مالی ندارد. روشی که این لایحه در تامین هزینه های خود دارد، اینست که از کارفرما و کارگر حدود ۵۵ درصد حق بیمه می گیرد که همین وجه را در واقع بعنوان بیمه بیکاری به افراد بیکار می دهند.» اعضای کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی، همان زمان خاطر نشان ساخته بودند که این لایحه، سود و مزایای کارفرما را نیز منقور کرده است و کارفرمایان نه تنها پذیرش لایحه بیمه بیکاری از پرداخت یکباره و وجه هنگفت «خسارت بیکاری» معاف می شوند، بلکه میتوانند با استفاده از بند «ه» ماده ۸ این لایحه، کارگران بیکار شده را با حداقل دستمزد، دستمزد ایام بیکاری، مجدداً استخدام نمایند.

اظهارات معاون طرح و برنامه وزارت کار، تنها کارگرانی میتوانند از بیمه بیکاری استفاده کنند که علاوه بر دوشرفوق الذکر و همچنین استفاده از ۱۵ روز زمان شکایت، «استحقاق» آنان به تأیید انجمن های اسلامی، شوراهای اسلامی و نمایندگان کارفرمایان نیز رسیده باشد. لایحه بیمه بیکاری با مختصات ویژه خود، یکسال پیش در مجلس شورای اسلامی مطرح شد. هزینه پرداخت بیمه بیکاری بواسطه تمهیدات مقامات دولتی، عمدتاً بردوش کارگران و صاحبان مشاغل بوده و دولت در تامین هزینه این لایحه، سهم چندانی ندارد. روزنامه کیهان ۱۵ دیماه ۶۵، در همان زمان طرح لایحه بیمه بیکاری، در

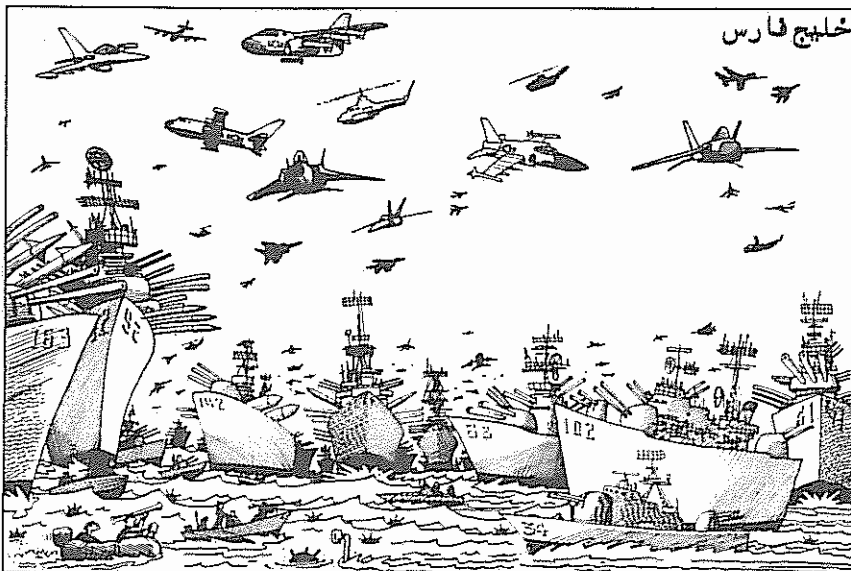
بوده و حتی کفاف هزینه چندماه خانواده این کارگران را نمی داده است. اما شروط جمهوری اسلامی برای پرداخت بیمه بیکاری بهین جا خاتمه نمی یابد. دارا بودن هر دو شرط فوق الذکر، مغز به معنای احراز شرایط دریافت بیمه بیکاری نیست، کارگرانی میتوانند از بیمه بیکاری استفاده کنند که در فاصله زمانی سال ۵۶ تا ۲۴ خرداد سال جاری از کار بیکار شده و شکایات خود را در یکی از مراجع حل اختلاف مطرح کرده باشند. بر اساس این لایحه کارگرانی که عرض حالی نداشته باشند، مشمول طرح نمی باشند. طبق آئین نامه های وزارت کار، کارگران بیکار شده و اخراجی تنها تا ۱۵ روز پس از اخراج حق ارائه شکایت دارند. این در حالی است که بغا به اعترافات خود مسئولین رژیم نیز، کارفرمایان با استفاده از فآ آگاهی کارگران در خصوص این آئین نامه، با در پیش گرفتن سیاست دفع الوقت، موجب گذشت همین مهلت شده و کارگران زمانی به مراجع حل اختلاف و یا وزارت کار مراجعه می کنند که زمان تعیین شده از دست رفته است.

معاون طرح و برنامه وزارت کار، نحوه اجرا و شرایط استفاده کارگران از بیمه بیکاری را اعلام کرد. از زمان طرح «لایحه بیمه بیکاری در جمهوری اسلامی، در مجلس شورای اسلامی پیش از یکسال می گذرد. در این مدت مقامات جمهوری اسلامی نسبت به لایحه مذکور مواضع متفاوتی را در رسانه های دولتی تبلیغ کرده اند. معاون طرح و برنامه وزارت کار، بدقبال فتوای خمینی و پاسخ خمینی به نامه وزیر کار، مختصات اجرایی لایحه بیمه بیکاری را اعلام کرد. معاون طرح و برنامه وزارت کار اعلام کرده است که تنها کارگرانی از لایحه بیمه بیکاری میتوانند استفاده کنند که دوشرفوق در موردشان صادق باشد. اول اینکه بدون اراده و میل از کار بیکار شده باشند و دوم اینکه در شرایط حاضر هیچگونه شکلی نداشته باشند. بدین ترتیب بخش قابل ملاحظه ای از کارگران که در دو ساله اخیر بغا به اجبار و فشار کارفرما، باز خرید شده اند، شامل طرح نمی شوند. روند باز خرید کار کارگران پس از وقوع دور جدید بحران اقتصادی جدید بود که حتی خود مسئولین جمهوری اسلامی بر آن عنوان «باز خرید اجباری» نهادند. میزان پرداختی به کارگران بیکار شده، بخصوص در مورد کارگران جوان و کم سابقه، فوق العاده ناچیز



دبیرکل سازمان ملل:

"نمی‌خواهم به عنوان وسیله ای برای دفع الوقت مورد استفاده قرار بگیرم"



روز سه شنبه ۲۹ دیماه، جواد محللاتی سرپرست جدید هیات نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل، با خاور پرز دو کوئینار دبیرکل این سازمان دیدار و بیزامن قطعنامه ۵۹۸ گفتگو کرد. به گزارش رویتر، محللاتی در پایان دیدارش با دو کوئینار به خبرنگاران گفت: وی هیچ نگرانی که حاوی صلح باشد از تهران به همراه نیاورده و جمهوری اسلامی چیز جدیدی برای افزودن به مطالب قبلی ندارد. کاردار سفارت جمهوری اسلامی در سازمان ملل که جایگزین رجایی خراسانی شده است از تشریح جزئیات دیدارش با دبیرکل سازمان ملل خودداری کرد و تنها به پیگیری اجرای طرح پرز دو کوئینار که در اکتبر گذشته از سوی وی ارایه شد، اشاره نمود.

همزمان با انتشار اظهارات محللاتی، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد وی به شرط حصول اطمینان نسبت به شریک شدن فعالیتهایش در زمینه اجرای قطعنامه ۵۹۸، آماده است تلاشهای دیپلماتیک خود را از سرگیرد و به تهران و بغداد سفر کند. پرز دو کوئینار گفت وی نمی‌خواهد به عنوان وسیله ای برای دفع الوقت مورد استفاده قرار گیرد. دبیرکل سازمان ملل با تاکید بر وظیفه خود برای اجرای قطعنامه ۵۹۸، از طرح مسایل تازه در شورای امنیت در مورد تحریم تسلیحاتی علیه ایران اظهار بی‌اطلاعی کرد.

دبیرکل سازمان ملل هفته گذشته پیامی نیز از سوی فهد دریافت کرد. فهد در این نامه از طرف کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از شورای امنیت خواستار اتخاذ تدابیری جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ در ارتباط با جنگ ایران و عراق شد. اخبار منتشره در مطبوعات دولتی جمهوری اسلامی حاکی است که به زودی جلسه ای با شرکت ایران و شش کشور عربی عضو شورای همکاری

خلیج فارس در ابوظبی برگزار خواهد شد. این جلسه در سطح معاونین وزرای امور خارجه خواهد بود. ایران قبلاً موافقت خود را با برگزاری این جلسه که گویا با میانجیگری سوریه صورت می‌گیرد اعلام کرد و هفته گذشته نیز ولایتی با ارسال پیامی به راشد عبدالله وزیر مشاور در امور خارجه امارات متحده عربی، آمادگی خود را برای شرکت در اجلاس هفت جانبه اطلاع داد.

از سوی دیگر، عراق تلاش جمهوری اسلامی برای برقراری رابطه با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج را به عنوان دمی علیه ام اب و زیانبار برای منطقه خواند. عراق از این کشورها درخواست

کرده است که از همکاری با جمهوری اسلامی خودداری کنند. هفته گذشته طارق عزیز دوبار به عربستان سفر کرد و طی دیدار با ملک فهد نذر خود را در این زمینه اعلام نمود. در کویت روزنامه القیس و در عربستان روزنامه عکاظ مطالبی به حمایت از مواضع عراق انتشار دادند. در این میان شریف الدین پیرزاده دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی طی گفتگویی با هفته نامه "الایوم السابع" اعلام داشت این سازمان حاضر است باردیگر به کوششهای خود برای میانجیگری در جنگ ایران و عراق ادامه دهد. پیرزاده تاکید کرد تلاشها در صورتی مفید خواهند بود که در طرف با آن موافقت کنند.

آمارهای از جنگ نفتکشها

خلیج فارس و جنگ نفتکشها طی چندسال یکی از کانونهای درگیری ایران و عراق و عرصه ای برای گسترش فتنه های جنگ توسط رژیمهای تهران و بغداد علیه مردم دو کشور و منطقه بوده است. طی این سالها بر اثر جنگ تانکرها و بمباران کشتیهای تجارتهای بینیمه کشتیرانی بشدت افزایش یافته و بر تراکم ناوهای جنگی کشورهای امپریالیستی که به بهانه

تامین امنیت کشتیرانی وارد آبهای منطقه شده اند، افزوده شده است. ارزش وحجم کالاهایی که طی جنگ نفتکشها در خلیج فارس آسیب دیده و به قعر آب رفته اند از جنگ دوم جهانی پیشی گرفته است. جدول که از روزنامه "گاردین ویکلی" برگرفته شده گوشه ای از چهره مخرب و زیانبار جنگ را به زبان آمار منعکس است.

سال	تعداد حملات	کشتیهای آسیب دیده
۱۹۸۴	۲۵	۲۴
۱۹۸۵	۳۱	۲۱
۱۹۸۶	۵۷	۵۱
۱۹۸۷	۷۶	۶۸

سال	تعداد حملات	کشتیهای آسیب دیده
۱۹۸۴	۱۸	۱۵
۱۹۸۵	۱۳	۱۰
۱۹۸۶	۴۱	۳۵
۱۹۸۷	۷۹	۶۷

به علت نبود کاغذ، روزنامه دولتی کیهان در آستانه تعطیلی قرار گرفت

بالاخره عواقب سیاست جنگ طلبانه و اخلاص مالی رژیم، پای دستگاههای تبلیغاتی آن را نیز گرفت. یک ماه پیش روزنامه "ابرار" چاپ تهران به علت کمبود کاغذ و نبود ارز برای تهیه آن موقتاً دست از انتشار کشید و هفته گذشته نیز روزنامه کیهان با انتشار سرمقاله ای تحت عنوان "ضرورت تامین کاغذ برای برتریترین روزنامه کشور" به مسئولان جمهوری اسلامی هشدار داد در صورت بی توجهی و عدم تامین کاغذ رژیم این بلندگوی تبلیغاتی خود را از دست خواهد داد. سردبیر روزنامه در این مقاله با اشاره به نقش کیهان در "یکایک مقاطع حساس جنگ" و درگیری با گروههای سیاسی، نوشت: از جمله نیازهای اساسی و حیاتی جامعه مطبوعات و از جمله روزنامه کیهان که در حال حاضر بسیار مشکل ساز شده، مسئله کاغذ می باشد. "مشکلی که هم اینک کیهان با آن درگیر است و چنانچه نسبت به حل آن از سوی عناصر مسئول اقدام عاجل صورت نگیرد ای بسا، طی ایامی که چندان دور کیهان ناچار به کاهش صفحات و تیراژ بقیه در صفحه

اخاذی فسطی

به دنبال اطلاعیه ده‌ماده‌ای شورای عالی پشتیبانی جنگ، طی بخشنامه‌ای از اکثر کارخانجات شهر صنعتی ساوه خواسته شد که وضعیت و برقمه خود را در قبال این بخشنامه مشخص کنند. بخشنامه مزبور اقداماتی را در برخی از کارخانه‌ها به دنبال داشت. در شرکت فرآورده‌های توریستی توسط انجمن اسلامی و بسیج کارگری جلسه‌ای، با حضور خانواده کشته‌شدگان جنگ و مدیران و سرپرستان قسمت‌ها تشکیل گردید و تصمیماتی در باره اخذ کمک‌های مالی، اعزام نیروی انسانی به میزان ۲۰٪ (با حفظ سطح تولید) و تشویق کارگران برای رفتن به جبهه‌های بی‌پانگشت جنگ اتخاذ شد. در این جلسه تصمیم گرفته شد که مزدیک روز اضافه کاری کارگران

به حساب جبهه واریز شود. کارگران از این تصمیم بشدت خشمگین شدند. ترس از اخراج آنان را از اعتراض جمعی باژداشت. در نیمه دوم آذرماه، ایادی مزدور خمینی برای ریودن مزد ناچیز ماه‌های بعد کارگران نیز نقشه کشیدند. در این تاریخ مسئولین شرکت فرآورده‌های توریستی طی اطلاعیه‌ای اعلام کردند: "برای کسانی که مایل هستند به جبهه‌ها کمک کنند و اکنون پولی موجود ندارند، کارخانه آماده است بجای آنها پرداخت نموده بعداً بصورت قسط‌دریافت دارد." این اطلاعیه حتی بایک مورد پاسخ مثبت مواجه نشد. کارگران بانفرت شدید با آن برخورد کردند.

انتخابات فرمایشی در تولید دارو

بسیاری از کارگران به خانه‌هایشان رفتند. مسئولین کارخانه به هرکسی که در دست‌رسان بود متوسل شدند تا تعداد را به حد نصاب برسانند. بالاخره رای‌گیری شد. ۵۰ درصد آرا ریخته‌شده، باطله بود. انتخابات افشام شد اما هیچکس آتر اجدی نگرفت. نماینده وزارت کار با عصبانیت کارخانه را ترک گفت. کارگرانی که در کارخانه حضور داشتند تماما جلسه را به مسخره گرفته بودند.

کارخانه سولفاپتیبی وابسته به تولید دارو است. وزارت کار در نظر داشت که برای تعیین رابطه بین انجمن اسلامی کارخانه و وزارت کار انتخاباتی برگزار کند بدین منظور در هفته دوم آذرماه نماینده‌ای از سوی وزارت کار به این کارخانه مزبور اعزام شد و کارگران موظف شدند که پس از پایان کار، در کارخانه بمانند. برای نگاهداشتن کارگران، سرویس ویژه‌ای نیز در نظر گرفته شد. اما

اشاعه خرافات توسط ایادی رژیم

رژیم خمینی که اساس موجودیتش بر قریب و چهل استوار است، در کفار حربه‌هایی چون شلاق و سرنیزه ترفندهای دیگری را نیز برای تداوم حکومتش بکار می‌بندد. این ترفندها بر بنیاد اشاعه خرافات و تحمیل ایدئولوژیک استوار است. این شیوه‌ها که از زمان قبل از بقدرت رسیدن بکار بسته می‌شد (فکش بستن چهره خمینی بر ماه و...)، تاکنون به اشکال گوناگون ادامه داشته است. از آخرین نمونه‌های آن اینگونه گزارش شده است:

"بارها دیده شده است که نامه‌ای با مضمون زیر به دست افراد مختلف رسیده است: دختری ۱۲ ساله که دچار بیماری لاعلاجی بود و همه پزشکان از درمانش عاجز بودند به حرم حضرت زینب رفت و تا صبح گریست تا اینکه خوابش برد. در خواب دید که حضرت زینب قطره‌ای در دهانش ریخت و به او گفت تو شفا خواهی یافت ولی باید این جریان را ۱۵ بار نوشته و پخش کنی. اولین نامه به دست مرد ثروتمندی رسید که به نامه اعتنایی نکرد و بعد از ۱۵ روز فقیر شد. دومین نامه به دست کارمندی رسید که او هم به نامه اعتنایی نکرد و بعد از ۱۵ روز کارش را از دست داد. سومین نامه به دست مرد فقیری رسید که نامه را ۱۵ بار نوشت و پخش کرد و بعد از ۱۵ روز ثروتمند شد.

در آخر نامه نوشته شده است: توهم این نامه را ۱۵ بار بنویس و پخش کن و ۲ نیت بکن تا بعد از ۱۵ روزه آرزویت برسی."

اگر نیا فهد بر ایثان گران تمام می‌شود

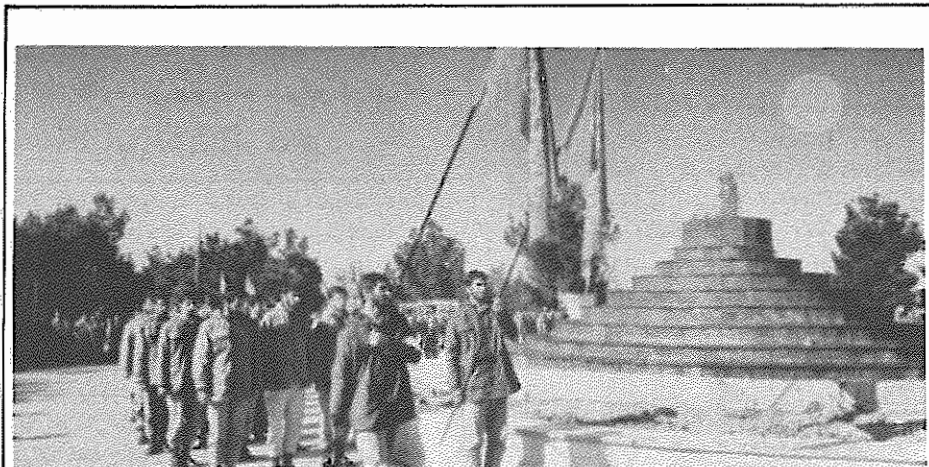
خواهد شد. در روز راهپیمایی فقط ۶۰ نفر از دختران و تعداد اندکی بیشتر از پسران شرکت داشتند. اکثر شرکت کنندگان از اعضا انجمن اسلامی بودند به هر کدام از شرکت کنندگان یک پلاکارد داده و خواسته بودند پشت پلاکاردها اسامان را بنویسند و در پایان مراسم آترا به مامور انتظامات دهند تا معلوم شود چند نفر و چه کسانی آمده‌اند. شرکت کنندگان به اشکال مختلف از سوی دیگر دانشجویان مورد تسخر قرار می‌گرفتند.

به دنبال اعلام راهپیمایی به مناسبت ۱۳ آبان از سوی رژیم، در دانشگاه آزاد اسلامی، تعدادی از مسئولین دانشگاه در کلاس‌های درس به تهدید و اغوای دانشجویان برای شرکت در راهپیمایی پرداختند. آنها می‌گفتند: "برای حفظ آبروی دانشگاه و بخاطر اینکه ثابت کنید دانشگاه آزاد دارای ضوابط لازم جهت رسیدن یافتن مدارکش هست، باید در این راهپیمایی شرکت کنید. کسانی که نیا فهد در پیرونده‌شان ضبط شده و بر ایشان گران تمام

گروگان

بخشی از یک نامه:

"... یک سرباز فراری تعریف می‌کرد: دوسال است که سرباز فراری هستم. قبلاً در شهرستان... در یک کتابفروشی کار می‌کردم. دوبار از طرف سپاه برای دستگیری من آمدند و من از در پشت کتابخانه فرار کردم. بار آخر مجبور شدم به تهران نزد فامیلم بیایم یک ماه پیش فهمیدم که پدر و برادر ۲۰ ساله‌ام را بخاطر من گروگان گرفته‌اند و در زندان مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند. از قرار معلوم ساعت ۱۱/۵ شب هفت نفر مسلح با لباس شخصی از پشت بام همسایه به خانه‌مان ریختند. همسایه و پسرش به این خیال که دزد آمده به آنها حمله کردند و پسر همسایه با کارد آشپزخانه یکی از پاسدارها را مجروح کرد. پاسدارها نیز آنها را بشدت کتک زده وارد خانه شدند. از طرف دیگر افراد خانه به ژاندارمری تلفن کردند. فردای آنروز مامورین ژاندارمری گفتند که افراد مسلح از سپاه بودند آنها در همان شب و بهمان شکل بخانه عمومی نیز ریخته بودند. بعد از یک هفته با پارتی‌بازی، پدر، برادر و پسر همسایه‌مان آزاد شدند. اخیراً دوباره پدر و برادر را زندانی کرده‌اند حالا می‌گویند تا پسران را معرفی نکنید آزاد نخواهید شد. من هم مجبور شدم خود را به واحدهای سربازگیری تهران معرفی کنم و برگه نوبت خود را به شهرستان فرستاده‌ام. اما پاسداران به آن برگه نیز راضی نشدند و گفتند: فقط در صورتی که خودش را به ما تحویل دهید گروگان‌ها را آزاد می‌کنیم. حالا من چه باید بکنم؟ اگر آنها را بیشتر نگاه دارند خودم را معرفی خواهم کرد."



پاسداران خمینی در طواف فواره خون در بهشت زهرا، در محل ضابطگاه بین المللی تهران و خیابان ولیعصر نیز نمونه‌های کوچک تری از این "تجلی هنر اسلامی" ساخته شده است

یک اعتراف، یک سند:

ورشکستگی اقتصادی

بقیه از صفحه اول

و "اعتبارات عمرانی" بخش قابل ملاحظه‌ای از هزینه‌های جاری و حتی نظامی خود را، تحت عناوین "عمرانی" در هزینه‌های عمومی کشور می‌گنجاند.

دولت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۲ با صدور بخشنامه‌ای از همه دستگاهها و دوائر دولتی خواست که تمام طرحهای عمرانی خود را که در دو ساله ۶۴ و ۶۵ به پایان می‌رسند، را به وزارت برشامه و بودجه ارائه کنند. دولت تعهد کرد که هزینه این طرحها - طرحهای پذیرفته شده را در دو سال ۶۴ و ۶۵ با اعتبارات جداگانه سالیانه تامین کند. در مجموع ۲۸۰ طرح به تأیید مقامات دولتی رسید و طبق قرار، می‌بایست این ۲۸۰ طرح تا پایان سال ۶۵ به اتمام رسد. سرنوشته این ۲۸۰ طرح عمرانی را ناد، نماینده مجلس اینگونه بازگویی می‌کند: "اکتون ارزیابی کنیم که سرنوشته طرحها چه

شد؟ مجموع طرحهایی که می‌بایست تمام می‌شدند ۲۸۰ طرح بودند که ۸۵ طرح آن منتقل به سال ۶۶ که پایان یابند، ۲۷ طرح به قسمت دوم که سال ۶۷ پایان یابند و ۲۲ طرح به قسمت چهارم که ادامه دارها هستند، منتقل شدند. این ۱۳۴ طرحی که مقرر بود، و دستگاهها موظف بودند تا اکتانهای سال ۶۵ تمام و خاتمه یابند، لذا به سالهای بعد منتقل گردیدند. از مجموع ۲۸۰ طرح، ۱۴۶ طرحهای باقیمانده، ۲۲ طرح آن با نام مبدل به شکل مشتمل و یا تحت عنوان یکی از طرحهای قدیم و یا عنوان جدید در قانون ۶۶ (بودجه سال ۶۶) قرار گرفتند. از ۱۲۴ طرح باقیمانده، تعدادی از این طرحها صرفاً جنبه مطالباتی اکتسابی و پرداخت تعهدات گذشته را داشته و فاقد جنبه اجرایی فیزیکی بوده و پایانی برای آن متصور نیست. بعد از خارج کردن اینگونه طرحها ۸۲ طرح

می‌ماند که ۱۶ طرح آن خاتمه یافته و ۵۴ طرح نیز نیمه تمام و غیرفعال بوده و بقیه جز طرحهای ادامه دار باید درآیند."

بنا به اعتراف این نماینده مجلس از ۲۸۰ طرح عمرانی ارائه شده طبق بخشنامه سال ۶۲، حتی یک طرح نیز طبق برنامه پایان نیافته و حداکثر ۲۱ طرح از این ۲۸۰ طرح تا پایان سال ۶۶ - یکسال تاخیر - به اتمام خواهند رسید و ۲۶۰ طرح دیگر برای سالهای بعد تعدید خواهند شد. این از وضع اعتبارات عمرانی کشور. اما این نماینده مجلس در باره میزان سرمایه‌گذاری جدید در جمهوری اسلامی و عرصه‌های سرمایه‌گذاری نیز حقایق مهمی را افشا ساخته است که میتوان این آمار و ارقام را بدون شرح انعکاس داد. این آمار و ارقام، اوضاع و سمت و سوی تحول اقتصادی کشور را بخوبی نمایان می‌سازد. ناد، گفت: "واژ نظر ترکیب بخشهای سرمایه‌گذاری فیض تغییر کرده، اگر از سال ۵۰ تا ۵۶ در بخش خدمات ۲۰ درصد سرمایه‌گذاری بوده، ۶ سال بعد از انقلاب به ۲۶ درصد رشد کرده و

صنعت و معدن که قبلاً ۱۱ درصد سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص می‌داد، به ۵ درصد کاهش یافته است. در یک جمع‌بندی کلی متوسط سالانه تشکیل سرمایه ناخالص سرانه در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است. در نتیجه اگر بخواهیم مقایسه کنیم، ۶ سال بعد از انقلاب که از سال ۵۸ تا سال ۶۲ را که بهترین سالهای سرمایه‌گذاری ماست نسبت به ۶ سال قبل از انقلاب ۲۵ درصد کاهش دارد و اگر سه سال اخیر را محاسبه کنیم، بیش از ۲۵ درصد کاهش داریم. این کاهش سرمایه‌گذاری در شرایطی است که سرمایه‌گذاری‌های گذشته استهلاک آنها طی سالهای اخیر روندی صعودی داشته و دوره‌ای که نرخ رشد استهلاک متوسط سالانه از ۱۸۱ میلیارد ریال در سال ۵۸ به ۲۷۶ میلیارد در سال ۶۴ افزایش یافته است، این واقعیت است که سرمایه‌های مستهلک شده بیشتر از سرمایه‌گذاریهای جدید است."

و این اعتراف، اعتراف به رشد منفی سرمایه‌گذاری در جمهوری اسلامی، اعتراف به رشد منفی صنعتی کشور است.

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

خود خواهد شد... تاجاییکه تصمیم بر این است در صورت عدم رفع این مشکل ابتدا باید روزنامه رابه ۱۲ صفحه تقلیل دهیم و چنانچه مواضع همچنان ادامه یابند حداقل موقتاً آن را تعطیل کنیم."

"مشکلی" که گریبانگیر روزنامه کیهان، روزنامه‌ان که مستقیماً زیر نظر دفتر خمینی چاپ، اداره می‌شود، مدتی مجمل از هستی به خاکستر نشسته کشور به دست رژیم جمهوری اسلامی است. وقتی کیهان کاغذ برای تبلیغات به نفع رژیم نداشته باشد، تکلیف دانش‌آموزان، دانشجویان و سایر فعالیتهای فرهنگی و انتشاراتی کشور روشن است.

کاردار سابق سفارت ایران در فرانسه

پاریس را ترک کرد.

به درخواست مقامات فرانسوی، غلامرضا حدادی کاردار سابق سفارت ایران در فرانسه، سه‌شنبه گذشته، پاریس را به مقصد تهران ترک کرد. به گزارش مطبوعات غربی، این اقدام جهت متعادل کردن تعداد دیپلماتهای طرفین در خاک یکدیگر صورت گرفته است. در این زمینه یکی از مقامات فرانسه به نمایندگان مطبوعات توضیح داد در شرایطی که کاردار سابق سفارت فرانسه در تهران، ایران را ترک گفته است، صلاح نیست که هم‌تای ایرانی وی همچنان در پاریس به فعالیتهای دیپلماتیک ادامه دهد.

هم‌اکنون سه تن از دیپلماتهای ایرانی در محل ساختمان سفارت پاکستان که حافظ مفاد جمهوری

اسلامی در فرانسه است، به سر می‌برند. همین تعداد دیپلمات فرانسوی نیز در تهران در سفارت ایتالیا هستند. ایتالیا حافظ مفاد فرانسه در ایران است.

از زمان قطعه روایت دیپلماتیک بین تهران و پاریس که در تیر ماه سال جاری صورت گرفت، روابط این دو کشور علیرغم فعالیت محرمانه میان آنها در زمینه خرید و فروش تسلیحات و سایر بندوبست‌های سیاسی به حالت عادی بازگشته است.

تصویب قانون تعزیر متقلبان

انتخابات مجلس

"هرگاه کسانی که در انجام انتخابات به نحوی ماموریت دارند، در اوراق تعرفه یا آرا تقلب کرده یا آرا و تعرفه‌ها را کم و زیاد کنند و یا تغییر اسم در ورقه رای بدهد به حبس از سه ماه تا یک سال و به محرومیت از انتخاب شدن در یک دوره محکوم خواهند شد." این مطلب "ماده ۵۵" قانون مجازات عمومی تعزیرات است که روز چهارشنبه ۲۰ دی در راستای تدارک انتخابات سومین دوره مجلس اسلامی توسط شورای عالی قضایی به تصویب رسید.

یک هفته پیش از تصویب "ماده ۵۵"، صادق خلخالی طی سخنرانی در جلسه علنی مجلس، به فعالیت "جامعه روحانیت مبارز تهران" در زمینه مسایل انتخاباتی اشاره کرد و با اعتراض به شیوه عمل آن از خامه‌ای و رفسنجانی خواست که به جای برگزاری جلسات محرمانه، چنانچه در مورد

کاندیداهای بخصوصی ائتلاف با اختلاف دارند، علناً اعلام کنند و اجازه ندهند عده‌ای با انتشار لیست انتخاباتی که نام رفسنجانی و کربوبی در آن ذکر شده، "هیچ و بوج"‌های دیگری را نیز به عنوان کاندید تبلیغ کنند.

بنا به سخنان وزیر سابق کشور در مجلس، مهدوی کفی، موسوی اردبیلی، امامی‌کاشانی، خامنه‌ای، رفسنجانی، غیوری، انواری، موحدی کرمانی، کربوبی، دعایی، شهبازی، نائقی‌نوری و سه‌تن دیگر به عنوان اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت هنوز برای انتشار لیست مشترک انتخاباتی به نتیجه نرسیده‌اند.

تیم ملی فوتبال

اول اسفند به کره جنوبی می‌رود

به گزارش روزنامه کیهان، تیم ملی فوتبال روز اول اسفند عازم کره جنوبی خواهد شد و طی ده روز اقامت در این کشور، مسابقه‌هایی را با تیم‌های کره‌ای برگزار خواهد کرد. تیم ملی فوتبال در بازگشت از کره جنوبی به منظور انجام سه دیدار دوستانه در چین توقف خواهد کرد. مسئولان ورزشی جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند که این دیدارها برای آمادگی تیم ملی جهت حضور در مرحله مقدماتی جام ملت‌های آسیا می‌باشد. تیم ملی فوتبال ایران به علت استعفای بازیکنان و از هم پاشیدگی آن و شکست در مقابل کویت از راه‌یافتن به المپیک سئول (۱۹۸۸) محروم شد.

رنج بیکران مردم را قاریکی شب نیز پرده نیست

جنوب شهری زحمت می‌کشد و صبر می‌کند و توکل دارد، ادامه می‌دهد... (او) کودکان بر محبت خویش، را در آغوش می‌کشد و در کنار همسر... می‌نشیند و دست در سفره فقیرانه می‌برد و به نان خشک سفره خویش قناعت می‌کند. نه که خیال کنی "غم فرزند و نان و جامه و قوت" آنان را از سیر در ملکوت باز داشته، نه چنین نیست. که ابدال روزگار همیشه از تهی معدگان صبور و زحمت کش بوده اند. گرچه به ظاهر می‌نمایند که گرفتار و پایی بند عیالند و غم‌نان توش و توانی برای آنان باقی نگذاشته است. ... اینان از قبیله همانهایی هستند که پابره‌نه دنبال پیامبران می‌دویدند. سراج اینها را می‌شود در صفه مسجد پیامبر گرفت که اگر یافت می‌شد به نان خشک و جامه دلقی قناعت می‌کردند و گرنه چند روزی را با هم به دانه خرمایی می‌ساختند.

این افاضات رسالت نویسان، همه بیان آخوندی و مشعل‌کننده همان حکایت کهنه زمان شاه است: حکایت کهنه تبلیغ پذیرش فقر و استثمار و دم نزن. حکایت قدیمی "کتیج قارون نمی‌خوام، مال فراون نمی‌خوام" و تلقین اینکه قارون ما زخم معده دارند و هزار بیماری عصبی... فقر اسفراهی خالی اما پر صفا و دلی شاد.

روزنامه رسالت پس از توصیف "وضعیت فرهنگی و اجتماعی جنوب شهری‌ها" مشاهدات گزارشگران خود در "گشت و گذاری در شبهای تهران" را درج می‌کند. این بخش از گزارش نیز که گوشه‌ای از رنج مردم را در آئینه روزنامه‌ای تا این حد ارتجاعی باز می‌تاباند نیز به بهترین وجه سیاهکاری‌های رژیم خمینی را افشاگر است. عیناً به نقل قسمت‌هایی از آن می‌پردازیم:

هیولاهای خون‌آشام سراز گور تاریخ بدر آورده، حریص و سیری ناپذیر بر کرده زحمتکشان میهن افتاده اند و سودای مکیدن تمامی جانمایه آنان را دارند. اینان و قبیح‌تر از غارتگران سلف خود می‌کشند مردم را با وعده بهشتی آسمانی به چغنی زمینی راضی سازند و همزمان برای خود بهشتی زمینی همچون تصاویری که برای توده‌های رنج و کار ترسیم می‌کنند بیافزینند.

روزنامه رسالت، ارگان طرفداران غارت لجام گسیخته زحمتکشان، ارکان و صلت فقه و بازار سنتی، ارکان "استوانه‌های انقلاب" خمینی در گزارشی تحت عنوان "گشت و گذاری در شبهای تهران" کوشیده است با ارائه تصویر بی‌رتک از صحنه‌هایی که هر روز و هر لحظه، در هر کوی و برون شهرها و روستاهای کشور رخ می‌نماید، نقش رژیم را در ایجاد چنین فجایعی پرده‌پوشی کند. ما در این صفحه بخش‌هایی از گزارش مزبور، مندرج در رسالت شماره ۲۸ دیماه رابه چاپ می‌رسانیم. هم قسمت‌هایی از تفسیرهای روزنامه رسالت و هم بخش‌هایی از گزارش آن را، چرا که هر دو افشاگرند، اولی افشاگر و قحاح دست اندرکاران جمهوری اسلامی و دومی نمایانگر کارنامه شیامشان:

روزنامه رسالت در آغاز گزارش خود تحلیلی از "وضعیت فرهنگی اجتماعی" مردم جنوب شهر تهران ارائه می‌دهد:

"جنوب شهری‌ها دارای ویژگی‌های خاصی هستند که اگر بخواهیم فقط در چند کلمه توصیفشان کنیم باید بگوییم، "مردمانی صبور و زحمت کش" حال اگر خدا باوری را نیز به این صفات اضافه کنیم، تقریباً تصویر کاملی از این مردم به دست داده‌ایم" روزنامه ارکان "پای‌نا سر شکمان" پس از تاکید بر اینکه مرد



کسل و غصباتی همس. خودم خم کلافه شده‌ام، وی ناچارم، آخر مناجرم و صاحب خانه‌ام، هر چند وقت بیکار درخواست اجاره بیشتری می‌کند.



برادر اسم شما چیست؟! حشمت اهل کجا هستی؟! کرمان اینتوت صبح اینجا چه می‌کنی؟! ناراحتی چشم دارم و در کومان مدنی ملوا کردم، افتاد بنشینید! گفتند اگر به تهران بروی، آنجا ملوا خواهی شد! منم بار و بنیل سفریستم و به اینجا آمدم، پرسیدم پس چرا اینتوت صبح آمده‌ای؟ می‌گوید یکی دو روز اینجا سرگردان بودم و نتوانستم به‌دکتر مراجعه کنم به من گفتند باید توبت بگیری لذا دیشب را در اینجا بسر بردم تا امروز توبتم توبت بگیرم.

از خواهی که از فرط سرما خود را در پوشش‌های کرده می‌پوشم اهل کجا هستی می‌گوید، گنبد.

او همراه شوهرش که کشاورز است خانه و کاشانه را به امید... او ندهد رها کرده و آمده است. می‌گوید: «هر روز پس از ۸۰ بیمار ملوا نمی‌شوند، لذا صبح رود اقدام تا توبت بگیرم.

جوانی که مشغول قدم زدن است و با ترمش بدن خود را گرم می‌کند می‌گوید اگر صبح زود توبت بگیرم فردا به هیچوجه توبت به من نخواهد رسید.

گفتار خاتم پیروان منی است که از توبت، راهی سپهران شده می‌گوید، وضع پزشکی در لرستان معقول نیست یعنی شکانات مالی ما اجازه نمی‌دهد که مداوا کنیم لذا با تقویوس راه دیگری آمده‌ام، خسته و مریض هستیم. حالا به چشم در تهران چه می‌شود؟

کمک‌های مالی رسیده

سید اژلس آنجلس - آمریکا	۴۰ دلار
کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی	۲۵ دلار
"ص" از تکراس - آمریکا	۵۵ دلار
با کد "اتحاد، مبارزه، پیروزی" از آمریکا	۱۲ دلار
از طرف یک "مشترک" اکثریت از آمریکا	۱۰۰۰ کرون
رفیق آذری، از - اسلوفروژ	۶۵۰ کرون
"پویان" از اسلوفروژ	۵۵۰ کرون
رفقای اسلوهامار	۲۵۰ کیلن
از لاین - هلند	۵ کیلن
علی‌رضا (مسافری از ایران)	۵۰۰ کرون
با کد "رضی" یولفند - دانمارک	۱۰ مارک
پیمان از آلمان فدرال	



حزب کمونیست بلغارستان: کنفرانس نو سازی



دبیر کل حزب کمونیست بلغارستان

پتیه از صفحه آخر

بلغارستان در مصاحبه‌ای در رابطه با ست اصلاحات اقتصادی مورد بحث گفته بود: "جوهر تحول اقتصادی، درست انجام در بلغارستان، گسترش استقلال اقتصادی واحدهای تولیدی است." به گفته وی لازم است "تأثیر بازار و مناسبات کالا-پول بر روی تولید افزایش یابد." ژولکوف مدیر کارخانه ساخت قطعات الکترونیکی که در کنفرانس هفته گذشته حزب شرکت داشت، موضوع مطرح شده در سخنان کلورکیف را چنین بازنه کرده است: "از حالا به بعد به تبلیغ و کسانی که احساس مسئولیت ندارند، پول کمتری پرداخت خواهد شد." به نظر ژولکوف باید نقش مشوقهای مادی در تولید افزایش یابد و وضع به گونه‌ای نباشد که در برخی موارد یک کارگر ساده سه برابر یک کارگر متخصص مزد دریافت کند.

حدود یک سال پیش تئودور ژبوفک دبیر کل حزب کمونیست و رئیس شورای دولتی بلغارستان در زمینه ست اصلاحات اقتصادی در بلغارستان گفته بود: "حلقه اصلی در روند پیشرفت ما خود مدیریتی است... خود مدیریتی آن جاده ایست که روند نو سازی بر روی آن به حرکت در می آید." بر طبق طرح خود مدیریتی، کارکنان هرواحد تولیدی خود مدیر آن واحد را بر میگزینند. در مورد سیاست دستورها در پلنوم ژوئیه ۱۹۸۷ حزب کمونیست بلغارستان بر روی اصل "هرکس به اندازه کارش" تأکید ویژه‌ای شده بود. تئودور ژبوفک در پلنوم گفته بود: "ما در آغاز شکل دهی به جامعه نوین اعلام کرده بودیم: به هرکس کار نکند، چیزی نخواهد رسید. امروزه می‌خواهیم این اصل را چنین بیان کنیم: به هرکس کار نکند، چیزی نخواهد رسید و هرکس به جامعه چیز بیشتری ارائه دهد، چیز بیشتری

دریافت خواهد کرد."

بحث نو سازی و انجام اصلاحات اقتصادی در کنفرانس هفته گذشته حزب کمونیست بلغارستان فراز تازه‌ای یافت و تصمیمات روشن و مشخصی در این مورد آغاز شد.

این کنفرانس با مطلق تئودور ژبوفک، دبیر کل حزب آغاز به کار کرد. او در این نطق پیشنهاد کرد که حزب و دولت جدایی پرسنلی بیشتری داشته باشند. او که علاوه بر ست دبیر کلی حزب، ریاست شورای دولتی را نیز عهده دار است این پرسش را در کنفرانس مطرح کرد که "آیا نمی‌توان ترتیبی داد که دو مقام ریاست شورای عالی دولتی و دبیر کلی حزب بر عهده یک نفر نباشد؟" وی تأکید کرد نباید وضع به گونه‌ای باشد که یک کادر در یک مدت زمان طولانی مقامی را که می‌تواند مبتنی بر انتخابات شود، عهده دار گردد.

ژبوفک از روند نو سازی در شورای ستایش کرد و گفت حزب کمونیست بلغارستان نیز باید این روند را پیش گیرد. وی گفت باید به تحولات انقلابی رو آورد و در همه عرصه‌ها دگرگونی و نو اندیشی پدید آورد.

بخش مهم نطق ژبوفک، به مساله مالکیت سوسیالیستی اختصاص داشت. ژبوفک گفت: دولتی کردن شتابان مالکیت سوسیالیستی "در خیلی از موارد منجر به نادیده گرفتن انسان زحمتکش در اقتصاد" و "جدایی او از منافعش" شده است. یکی از علل این امر آن بوده است که نقش مالکیت تعاونی دست کم گرفته شد.

ژبوفک در نطق خود تأکید کرد مالکیت سوسیالیستی، "مالکیت بی‌صاحب" نیست. برای حل مساله‌ای که در این زمینه پدید آمده است باید به گسترش خود مدیریتی رو آورد. خود مدیریتی خط عمومی گسترش دموکراسی سوسیالیستی است.

ژبوفک در نطق خود موقیتهای سوسیالیسم در بلغارستان را بر شرد و گفت برای دستیابی به موقیتهای بیشتر و تازه تر باید مدل کهنه شده را کنار گذاشت و دست به نوآوری زد. "انسان شراب تازه را در خرما کهنه نمی‌ریزد." ژبوفک با این ضرب المثل بلغاری، منظور خود را توضیح داد. مساله بالا بردن بارآوری کار، یکی از مسایل محوری اصلاحات

اقتصادی در بلغارستان است. ژبوفک گفت برای بالا بردن بارآوری کار باید به اهرم مشوقهای مادی نیز رو آورد، اما برخلاف تصور برخی از فعالین حزب و متخصصین نباید پنداشت که "اهرم مشوقهای اقتصادی، علاج همه دردهاست."

ژبوفک بر روی "تقسیم تازه قدرت در جامعه" تأکید ویژه‌ای کرد و گفت باید "بین کادرهای رهبری رقابت صورت گیرد، باید همواره برای هر پستی چند کاندید معرفی شود و بر روی آنها بحث واقعی صورت گیرد." برای این منظور لازم است "شرایط واقعی برای بحث و اظهار نظر آزاد" فراهم گردد. در این راستا و به خاطر بالا بردن کیفیت آموزش سیاسی جامعه "ایجاد تحول در رسانه‌های عمومی" ضرورت می‌یابد.

در گزارش ژبوفک به کنفرانس نمایندگان، توضیح جایگاه حزب کمونیست و نقش آن، اهمیت خاصی داشت. وی بر درک لینی از حزب کمونیست تأکید کرد و گفت "حزب یک مرتبه خاص در سلسله مراتب

هدایت دولتی نخواهد بود و نباید باشد." حزب "به لحاظ تربیت کادر و به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک شراپلی را فراهم می‌کند." که بتوان به هدفهای تعیین شده، دست یافت.

ژبوفک بر مبنای ضرورت نو کردن دوره‌ای ترکیب ارگانهای رهبری حزب، پیشنهاد کرد "مقامات انتخابی رهبری در حزب - از دبیر کل کمیته مرکزی گرفته تا دبیر سازمان پایه حزبی - بیش از دو دوره انتخاباتی و در موارد استثنایی، بیش از سه دوره نتوانند در جای خود ابقا شوند." به همین جهت ضروری است که علنییت و شفافیت گسترش یابد و حزب باید کاری کند که مجموعاً کارکرد آن همواره در چشم کمونیستها و زحمتکشان، پیشیند و قابل کنترل باشد. ژبوفک در پایان، نطق خود گزارشی از پیشرفت‌های به دست آمده در دوسالی که از کنگره سیزدهم حزب در آوریل ۱۹۸۶ می‌گذرد، ارائه داد و از جمله گفت که در این فاصله درآمد ملی حدود ۱۱ درصد فزونی گرفته است ●

به یاد روز الوکزامبورگ و کارل لیبکنشت

در شصت و نهمین سالگرد قتل جنایتکارانه آنها



* روزا لوکزامبورگ: ما از طریق سوسیالیسم، صلح جهانی را نیز پاس می‌داریم... دیکتر آنتش چنگی برافروخته نخواهد شد، اگر توده‌ها اعلام دارند: دیکتر کشتارهای جمعی پس است!

* کارل لیبکنشت: این وظیفه پرولتاریای سرتاسر جهان است که امر مشترک سوسیالیستی دفاع از صلح را به انجام رساند. هدف پرولتاریا باید صلح، رفاه و آزادی همگانی باشد.

نوسازی (پرستروپکا) چپست؟

پرستروپکا روند نوسازی انقلابی جامعه و ایجاد دگرگونی‌های عمیق در همه عرصه‌های زندگی، عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. مفهوم نوسازی، به وسیله پائوم آوریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، و کنزگه ۲۷ حزب فرموله شد. این مفهوم از روندهای تحقیق یابنده و مسائل واقعی جامعه شوروی، منشا گرفته است و برای انکشاف خود از پایه‌های اساسی برخوردار است.

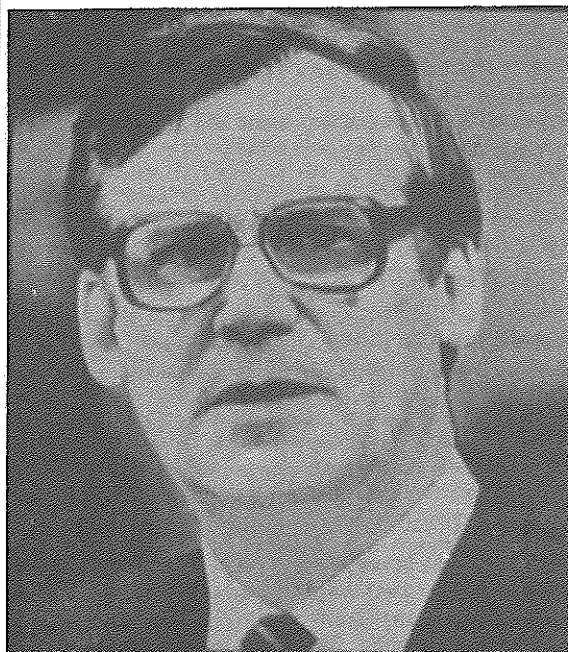
هدف ما سرعت بخشیدن به سیر پیشرفت‌مان، بهبود اساسی سطح رفاه مردم، ارتقای جامعه سوسیالیستی به مرتبه‌ای کاملاً نوین، و به عرصه درآوردن هر چه بیشتر جوهر انسانی سوسیالیسم است. همانگونه که پائوم ژانویه ۱۹۸۷ خاطر نشان کرد نوسازی، بی گرفتن روند نیل به دستاوردهای عظیمی است که به توسط حزب لنینیست در اکتبر ۱۹۱۷ آغاز شد. اما نوسازی صرفاً بی گرفتن نیست، تکامل بخشیدن و تحقق بخشیدن به آرمانها و اندیشه‌های اساسی انقلاب نیز هست. نوسازی اجتناب ناپذیر بود. برای این امر دلایل زیادی در دست است که از جمله عبارتند از: افت اقتصادی، رکود در عرصه‌هایی متعدد و خطاها و غفلت‌هایی که به توسط رهبری کشور صورت گرفت. مامی‌گوییم مکانیسمی وجود داشته است که راه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ما را سد کرده است.

یکی ممکن است بپرسد: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ ما خود طبیعتاً تلاش کرده‌ایم با تعدیل عمیق گذشته و حالمان، به پاسخ این پرسش دست یابیم. ما به این موضوع بی برده‌ایم که روند فروکش، ریشه در کارکرد عیبناک دموکراسی سوسیالیستی و در مکانیسم کهنه و تنهیل اقتصادی دارد. عملکرد این مکانیسم اجازه نداد علثاً شخصی زحمتکش با منافع جامعه به عنوان یک کل، هماهنگ شود.

جامعه سوسیالیستی ما از کارمایه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شگرفی برخوردار است. اما ما این کارمایه را به شکلی بسیار غیر موثر و اغلب با اسراف، به کار گرفتیم. برنامه ما برای اصلاح امور در چند سال آینده چیست؟

دوره ارزیابی از ریشه‌های مشکلاتمان دیگر به پایان رسیده

درباره «نوسازی»



مفتی نامتوسر بسید در شماره دوم سال ناره میلادی، مصاحبه نیکلای ریشکوف رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی با کریستینا بوتر اشتروم، سردبیر روزنامه سوئدی، "واگنر نیتر" را درج کرده است. در زیر بخشهایی از پاسخهای ریشکوف به سئوالات مطروحه در این مصاحبه را می‌خوانید.

دمکراتیزاسیون و

رفرم اقتصادی

مانگونه که گفتیم اجتماع تحولات اقتصادی، یکی از دوجز کلیدی سیاست نوسازی است. تحولاتی که اکنون صورت می‌گیرد به هیچ رو با اصلاحات دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قابل مقایسه نیست.

شرایط امروزین، که مادر تحت آن دست به اصلاحات اقتصادی می‌زنیم، اساساً با وضعیتی که در حیطه اقتصاد و در نظام مدیریت کشور در دوره قبل موجود بود، متفاوت است.

در دوره قبل تمهیداتی که برای تحرک بخشیدن به مکانیسم اقتصادی صورت گرفت با دموکراتیزاسیون هم‌چنانچه جامعه و عرصه مدیریت همراه نشد. آن تمهیدات ناکافی و ناپیکیر بودند. آنها سطوح بالای مدیریت را متحول نکردند و برای دستیابی به بهترین نتایج ممکن و برای کاربست اهرم اقتصاد در مدیریت، به همه بخشهای اقتصاد تسری نیافتند. در آن سالها ما در زمینه برقراری پیوند بین منافع کلکتیو کارگران با وظایفی که در برابر هر موسسه قرار داشت، غفلت ورزیدیم. نتیجتاً زحمتکشان در عمل

است. ما برنامه جامعی برای تجدید سازمان دادن به اقتصاد، به نظام سیاسی و به عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی دست یافته‌ایم. این برنامه همدلی مردم شوروی را جلب کرده و بازتاب تحرک بخشی در صحنه بین‌المللی داشته است.

اکنون دوره دوم، که دوره حادثر و رزمجوبانه‌تری است، آغاز شده است. ما بدان آغاز کرده‌ایم که همه کوشمان را برای تحقق عملی بخشیدن به برنامه‌هایمان، به کار بندیم. ما براین باوریم که آینده نوسازی بستگی به دوجهت کاملاً همبسته آن دارد: دموکراتیزاسیون هم‌چنانچه حیات عمومی جامعه و رفرم عمیق اقتصادی. ما اکنون در هر دو جهت، که در برنامه نوسازی و مفهوم تئوریک آن بازتاب یافته، کام برمی‌داریم و همچنان این راه را خواهیم بیمود.

من به همه کسانی که می‌خواهند درک درستی از نوسازی، علت نیاز ما بدان، هدف آن و این که چه تاثیراتی می‌تواند بر روی اتحاد شوروی و بقیه جهان داشته باشد، به دست آورند، توصیه می‌کنم کتاب تازه میخائیل گورباچف با عنوان "نوسازی: تفکر نوین برای کشور و جهان" را بخوانند.

تارج از حیطه روند دگرگونی قرار گرفتند.

ما وقتی که می‌خواستیم برنامه کنونی اصلاحات را پیاده کنیم مسامحا خطاها و غفلت‌ها را در نظر گرفتیم. اصلاحات تازه خصلت فراگیر و پیکیر، دارد و عملاً همه جنبه‌های زندگی را زیر تاثیر خود قرار می‌دهد. آنچه که باعث می‌شود اصلاحات تازه به سرنوشت اصلاحات پیشین دچار نشود به جریان درآمدن پیکیرانه روند دموکراتیزاسیون است. ما به عقب باز نخواهیم گشت، بازگشتی در کار نخواهد بود چرا که مردم خود در صحنه نوسازی حضور دارند.

غلبه بر نیروی مانع

تجربه نوسازی در مرحله نخست آن مارا به این نتیجه می‌رساند که مردم شوروی عمیقاً به ضرورت انجام تحول در همه عرصه‌های زندگی، به ضرورت، بی گرفتن قاطع سیاست نوسازی و به عرصه ظهور رساندن همه برتری‌های عظیم سوسیالیسم، واقفند. مردم شوروی قویاً از تلاش برای نوسازی حمایت می‌کنند و هر روز فعالیت از روز پیش، به این تلاش می‌گروند.

می‌توان گفت جو اخلاقی و روانی تازه‌ای در کشور پدید آمده و نوسازی یک اپوزیسیون سیاسی در برابر خود ندارد.

می‌دانیم که سوسیالیسم تضادهای آفتناگونیستی در جامعه را بر طرف می‌کند. از این سخن کاملاً درست نباید به این فتنیه رسید که در سوسیالیسم بین منافع گروهها و بخش‌های مختلف در جامعه و کلکتیوهای کار در هر موسسه، با اقتصاد ملی به عنوان یک کل هیچ گونه اختلافی وجود ندارد. این اختلافات وجود دارند و می‌بایست در عمل روزمره دیده شده به حساب آیند.

امروزه که روند نوسازی در حال قوام یافتن است و در عرصه‌های هر چه وسیعتری از زندگی رسوخ می‌کند، طبیعتاً با مقاومت‌های معینی هم‌مواجه می‌شود.

در وهله نخست نباید از خا لبر برد که به خاطر ساتنرالیزم افراطی، کلیشه‌ها و دکم‌های تئوریک معینی شکل گرفته‌اند. روابط اقتصادی و اجتماعی پدید آمده در شرایط معین تاریخی در چشم بسیاری کسان عالی و تنها شکل تظاهر جامعه سوسیالیستی جلوه کرد و هرگونه فاصله‌گیری از این دکما به مثابه انحراف از مبانی بقیه در صحنه بعد

درباره «نوسازی»

بقیه از صفحه قبل

سوسیالیسم تلفی شد.

علاوه بر این نظام مبتنی بر صندلی راحت مدیریت جلوی ابتکار در پیشخوان فروش کالا را گرفت، روحیه محافظه کاری و کج دار و مریز کردن را برانگیخت، از احساس مسئولیت کاست و جو بی تفاوتی را پدید آورد.

نیروی ماند، آنگونه که همه می دانند، بسیار نیرومند است و آثرا نه در عرصه اجتماعی باید دست کم گرفت و نه در عرصه اقتصادی. کاملاً روشن است که عقاید و خفیات میلیونها مردم را نمی توان به یکباره کاملاً عوض کرد، همه اینها زمان می برد.

یک عامل بازدارنده دیگر، محافظه کاری است. بسیاری از مردم به آنچه که تازه است، به آنچه که خلاف عادت است، بی اعتمادند. ممکن است در برابر آن مستقیماً مقاومت نکنند، اما دست کم بدان گرایش دارند که بگویند: صبر کنید ببینیم چه می شود!

یک دسته دیگر هم وجود دارند که کاملاً طرفدار نوسازی اند، اما هنوز نمی توانند به شیوه نوین عمل کنند. آنها باز باید یاد بگیرند.

آوانگاردیسم (پیشاهنگ گرای) هم برای نوسازی به میسان مضر است. آوانگاردیستها روندهای عینی را نادیده می گیرند، آنها می خواهند یکباره بسوی هدف نهایی بپرند، آنها ناهماهنگی آنها ندارند که هر چیزی شرایط عینی خودش را لازم دارد و البته زمانمند است.

محافظه کاری، انفعال و بی تفاوتی، و بالاخره آوانگاردیسم آن سه مانعی هستند که باید از جلوی راه نوسازی برداشته شود. برای این منظور باید تلاشمان را بر روی گسترش بیشتر دموکراسی، کلاس نوست (علنیّت)، انتقاد و انتقاد از خود، کار آموزشی در میان مردم و ایجاد یک خلق و خوی نوین متمرکز کنیم.

نوسازی بطور عینی ستیز کهنه و نو را بر می انگیزد. این ستیز جریان دارد و عده ای هم هستند که دارند "استخاره" می کنند.

ما به آنانی که این پا و آن پا می کنند و وقتشان را هدر می دهند می گوئیم بازگشت به عقبی در کار نخواهد بود. عودت به گذشته یعنی این که دوباره خودمان را در آستانه به بران قرار دهیم، به دوره ای

بازگردیم که این مختصات را داشتند؛ رکود فزاینده در اقتصاد و امور سیاسی، زنگ زدگی اجتماعی، بی عاطفگی روانی و بی تفاوتی.

مانگونه که میخائیل کارپاچف گفته است: "دیگر راهی وجود ندارد. ما نمی توانیم و نباید که به عقب بازگردیم."

ما به هد آنانی که دستخوش شک و تردیدند می گوئیم: این تفها نوسازی، این تنها شتاب بخشیدن و تجدید است که سطح زندگی مردم شوروی را ارتقاء، اساسی خواهد داد، کارمایه اجتماعی سوسیالیسم و امکانات آن به عنوان نظام انسان گرایی راستین را به تمامی در خدمت خواهد گرفت و در افراد این احساس را شکوفان خواهد کرد که در امور اجتماعی مشارکت دارند.

تفها از این طریق است که می توان آینده صلح آمیز و رفاه را برای مردم شوروی و نسلهای آینده کشور، تضمین کرد.

ما به آنهایی که دوبه شک هستند و فاقد قوه ابتکارند می گوئیم شما از الزامات زمان به دور افتاده اید.

تنها از طریق برانگیختن هر چه بیشتر فعالیت و جوش و خلاقیت های توده ها، بدینگونه که هر کس در تحقق آنچه که برنامه ریزی می شود نقش فعالی داشته باشد، می توان به هدفیایی که نوسازی در برابر خود نهاده است، دست یافت. عامل انسانی کلید همه تحولات است.

ارزبایی از دهه ۳۰ و

سالهای پس از آن

بنیانگذاری جامعه شوروی، تحت رهبری ولادیمیر لنین صورت گرفت و بر همین پایه است که جامعه امروزه نیز پیشرفت می کند. در زمانی که استالین پشت سکان هدایت قرار گرفت، از اصول لنین فاصله گرفته شد، با این اصول قطع رابطه شد و نتیجه آنکه نظام مبتنی بر صندلی راحت رهبری حزب و جامعه بر فراز سر ملت نشست.

تغییرات وسیع و پیچیده نظام مدیریت در دهه های ۲۰ و ۳۰، هم علل عینی داشت و هم علل ذهنی. نقش قاطع در این روند را نیاز حیاتی به غلبه سریع بر عقب ماندگی فنی و اقتصادی کشور، نیاز آن که به دلیل شرایط داخلی و خارجی مدام میزومتر می شد، ایفا کرد. تنها با بسیج حداکثر همه ذخایر مادی برای دستیابی به هدفها و تقویت سهم انباشت در درآمد ملی می شد به

یک رشد اقتصادی، بالادست یافت. در واقع نظام اقتصادی پدید آمده، اقتصاد بسیج شده بود.

کنترل فوق العاده مرکزی در سالهای جنگ تقویت شد و در دوره بازسازی اقتصاد پس از پایان یافتن جنگ نیز، حفظ گردید. این یک نیاز عینی بود. اما دریغ که در سالهای بعد، در سالهایی که دیگر چنین نیازی مطرح نبود، آن نظام مدیریت متحول نشد و به اندازه کافی با شرایط نوین پیشرفت، همخوان نگردید.

وقتی که از خصایص نحوه هدایت پیشرفت اجتماعی و اقتصادی در دهه ۲۰ و سالهای پس از آن، و نیز از نقش استالین سخن می گوئیم، نباید، دامنه موضوع را تا حد نقش یک فرد مشخص، تقلیل دهیم. تمام مجموعه تدابیری که ساخت و شیوه های مدیریت اقتصادی را تعیین می کردند را نمی توان تنها مربوط به یک فرد کرد، حال هر چند هم که نقش مهم باشد. باید با عزیمت از اصل برخورد تاریخی برای دست یابی به حقیقت حرکت کرد و تمام زنجیره عوامل عینی و ذهنی اثرگذار بر روی پیدایش نظام دواندن اقتصاد را که در دهه ۳۰ در کشور ما برپا شد، در نظر گرفت و تحلیل کرد.

نباید در ارزیابی از راهی که به توسط کشور ما و اقتصاد آن در یک فاصله زمانی کوتاه پیموده شد کوتاهی کنیم و آنرا دست کم بگیریم. در آن فاصله زمانی کوتاه ما از خیش چوبی و صنعت عقب مانده به کاربست نیروی اتم و اوج دانش و تکنولوژی قضایی رسیدیم. به همینان نباید خطاهای عظیم، انحرافات را که در آن سالها از اصول سوسیالیسم صورت گرفت و فتنه های ناهق و نابخشودنی را فراموش کنیم.

منظور از استالینیسم چیست؟

گفته می شود که باید بطور

تاریخی از استالینیسم برید. اما بنا بر یک ضرب المثل "سه بار ذرع کن، بعد ببر". پیش از این که دست به عمل جراحی بزیم، باید ریشه های درد را بشناسیم. منظور از "بریدن" چیست؟ دقیقاً از چه چیزی باید برید؟ همه می دانند که مفهوم استالینیسم در غرب با ارزیابی ما از آن دوره در تاریخ اتحاد شوروی همخوانی ندارد. اگر منظور از استالینیسم نقض قانونیت سوسیالیستی و همانا صندلی راحت در مدیریت اقتصادی باشد، در آن صورت مام در عرش کرده ایم و هم قطعش. اما در غرب، منظور از استالینیسم همان سوسیالیسم است. در اینجا است که ما بر روی یک قاعده کلیدی امر نوسازی، انکت می گذاریم: باید سوسیالیسم بیشتری برقرار شود.

نوسازی کنار گذاشتن قطعی هر آن چیزی است که کهنه است، مضر است و جلوی استفاده کامل از توانایی های جامعه ما را می گیرد. اما نوسازی خود متکی بر آن پایه استوار جامعه ماست که به توسط خلق ما در دهه های پس از انقلاب اکتبر، بنا نهاده شد. نوسازی هر آن چیز ارزشمندی را که به توسط مردم شوروی تحت هدایت حزب خلق شده، در خدمت می گیرد.

ما با ارائه یک ارزیابی اصولی و بدون پیش داوری از شخصیت استالین، از این نظر حرکت می کنیم که استالین را نباید با کل حزب و آن میلیونها مردم عادی یکی گرفت که در اعتقاداتشان به اندیشه های لنین و آرمانهای انقلاب در تلخ ترین و اسفناکترین دوره تاریخ ما تزلزل یابد نیامد.

باید درک لنین از سوسیالیسم و شیوه ها و سبکهای لنینیستی کار حزبی را بطور کامل احیا کرد. کتوره ۲۷ حزب کمونیست در این راه بطور بیکیفر و قاطع گام برداشته است. ●

سنگینی فزاینده قروض خارجی کشورهای رشد یابنده

۱۹۸۷ به حد ۱/۱۶ میلیارد دلار رسیده است. بیش بینی می شود که میزان این بدهی ها در سال جاری به ۲/۲۴۵ میلیارد دلار برسد.

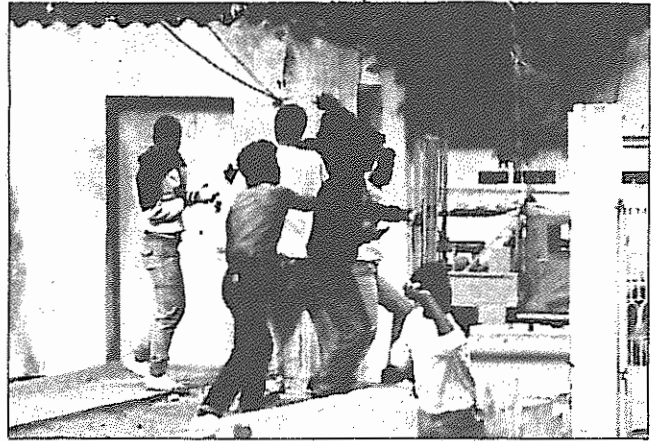
افزایش بدهی ها روی دیگر که کاهش سرمایه گذاری هاست. یک نمونه چنین است: در سال قبل در آفریقای سیاه نسبت میزان سرمایه گذاری، به تعداد جمعیت تا حد این نسبت در سال ۱۹۷۰ کاهش یافته است. ●

به گزارش "بانک جهانی" تنها در سال ۱۹۸۷، میزان اصل و فرعی که کشورهای رشد یابنده بابت قرض های خارجی خود باید بپردازند، به میزان ۲۹ میلیارد دلار رسیده است.

در این گزارش همچنین گفته شده است که در سال گذشته میلادی ۷۰ میلیون دلار بر میزان بدهی کشورهای جهان سوم افزوده شده است. در سال ۱۹۸۶ کل بدهی های کشورهای جهان سوم ۱/۱۲ میلیارد دلار بوده و در سال

دستان را بشکنید تا سنگ پرتاب نکنند

آکینور فرمان سرکوب



برزیدنت آکینور به رئاتودریولا رئیس جدید ستاد ارتش فلبیپین برای سرکوب "ارتش نوین خلقی" که از ۱۹ سال پیش مبارزه خود را آغاز کرده است، اختیارات تام داده است.

ارتش نوین خلقی خود را برای مقابله با موج جدید سرکوب آماده می‌سازد. اخیراً توجه این نیرو به سازماندهی شهری بیشتر شده است. در مصاحبه یکی از فرماندهان ارتش نوین خلقی با خبرنگار روزنامه کاردین چاپ لندن آمده است که ارتش نوین در شهرهایی بزرگ و خاصه در مانیل جوخه‌های رزمی تشکیل داده و خود را آماده می‌کند که جنگ رهایی‌بخش را به پایتخت بکشد. در این مصاحبه گفته شده است که "ما همچنان روند مبارزه را طولانی می‌بینیم و اشتغال قدرت‌گیری سریع، مثل نمونه آکینورا نداریم."

در هفته گذشته مبارزین ارتش نوین خلقی به زندانی در شهر سورسوکدن حمله بردند و ۲۹ نفر زندانی را آزاد کردند.

دلیل قانونی برای احیرته داشتن او درست نباشد، بعد از ۱۸ روز آزاد می‌شود. او از زندان بیرون می‌آید و دوباره به ست ما سنگ پرتاب می‌کند. اما اگر ما در زندان دستش را بشکنیم، از زندان هم که بیرون بیاید، تا یک ماه ونیم نمی‌تواند سنگی پرتاب کند. اما این سیاست سیاست تازه‌ای نیست. در ماههای اخیر درباره ۲۰ مورد شکستن دست در زندانهای اسرائیل، گزارش رسمی در دست سازمانهای بین‌المللی قرار دارد.

در روز سه شنبه هفته گذشته اسحاق شامیر نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرد "فلسطینی‌ها را باید از مرگ ترساند، تا دیگر مقابله جویی نکنند". اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل نیز خلولا کلی حیات صهیونیستها برای مقابله با موج جدید خیزش توده‌ای در فلسطین اشغالی را چنین اعلام کرد: "نیرو، اعمال جبر و سرکوب" یک مقام نظامی در مصاحبه با روزنامه "یروزالم پست" این سیاست را چنین تفسیر کرد: "یک نفر را دستگیر می‌کنیم، اما چون ممکن است

اخبار کوتاه

* در دانشگاه فاس در مراکش یک دانشجو به دست پلیس کشته شد. عده کثیری نیز زخمی و دستگیر شدند. حمله پلیس متکامی صورت گرفت که دانشجویان قصد داشتند به پشتیبانی از قیام مردم در فلسطین اشغالی دست به تظاهرات بزنند.

* در جریان زدو خورد بین پلیس و تظاهرکنندگان در بتکلادش در روز پیش‌شنبه هفته گذشته ۶ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی شدند. حرکت تظاهرکنندگان برای اعتراض نسبت به انتقادات فرمایشی ژنرال ارشاد و اعلام تمیز بین این انتقادات، صورت گرفته بود.

* در سندیگای معدنچیان انگلستان انتخابات کتیش هیات مدیره و رئیس سندیکا صورت گرفت و نتیجه آن اعلام شد. آرتور اسکارگیل با ۵۲ درصد آرا مبددا به سمت رهبر سندیکا برگزیده شد. در جریان اعتصاب پراوازه معدنچیان در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ اسکارگیل رهبری اعتصاب را بر عهده داشت. او چندی پیش بر اثر برخی اختلافات، از ریاست سندیکای معدنچیان استعفا داده بود.

* تعداد اعضای حزب کمونیست برزیل در یک سال گذشته دو برابر شده است. این موضوع رادرففته گذشته قائم مقام دبیر کل حزب اعلام کرد. اکنون حزب کمونیست برزیل دارای ۴۰۰۰ عضو است.

* در هفته گذشته استرالیا رسماً ۲۰ ساله شد. به همین مناسبت بومیان اصیل استرالیایی علیه سیاست ترضیب حقوقشان دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند. * به گزارش خبرنگاری تاس در هفته گذشته علیه بوری چوربانوف، یکی از معاونان پیشین وزارت داخله شوروی و داماد لئونید برژنف اقامه دعوی شد. چوربانوف ۶۵۰۰۰۰ روبل رشوه‌خواری کرده است. تنها در نیمه اول سال ۱۹۸۷، ۵۰۰۰ پرونده برای افرادی نظیر چوربانوف تشکیل شده است.

* در روز پنج‌شنبه هفته گذشته در هائیتی، در اعتراض به مضحکه اخیر انتخاباتی، اعتصاب عمومی برگزار شد.

تلاش برای حل مسألت آمیز اختلاف در کامبوچیا

کرده است. در این مقاله آمده است که گذاشتن این پیش شرط زسوی چین که باید ابتدا مسئله کامبوچیا حل شود و نیروهای ویتنام (که در هنگام راندن دارودسته پلیوت به کمک فراخوانده شده بودند) خاک این کشور را ترک کنند، بی معنی است. بر اودا نوشته است دیدار رهبران چین و شوروی برای تبادل نظر -سول مسائل مبرم بین‌المللی و روابط دو کشور به یک ضرورت عینی تبدیل شده است و نباید چنین پیش شرط‌هایی را در برابر آن قرار داد.

- در روز چهارشنبه ۲۰ ژانویه برای دومین بار مونس، رئیس شورای وزیران جمهوری خلق کامبوچیا با پرتس شورودوم سیهانوک در پاریس دیدار کرد. این دیدار، که نتایج آن انتشار نیافته، به قصد حل مسألت آمیز مسائل در کامبوچیا صورت گرفته است. سیهانوک، از رهبران مخالفین دولت کامبوچیا است.

- روزنامه بر اودا، طی مقاله‌ای مجدد بر روی ضرورت دیدار رهبران چین و شوروی تأکید

انقلاب محافظه کارانه ریگان

(ضد انقلابیون نیکاراگوئه ای) اختصاص داده شود. ریگان برای چهارماه آینده تقاضای ۲۵/۶ میلیارد دلار کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه کرده است. کل کمک درخواستی از کتیره برای نیروهای کنترا ۲۷۰ میلیون دلار است.

دستگاه دولتی ریگان بر آن سر است که بروخامت اوضاع در آمریکای مرکزی بیفزاید و بویژه نیکاراگوئه را هر چه بیشتر تحت فشار قرار دهد. دولت نیکاراگوئه دو هفته پیش حالت فوق العاده در این کشور را لغو برای مذاکره مستقیم با نیروهای کنترا اعلام آمادگی کرد. این ابتکار عمدتاً به منظور افشای دعوی صلح طلبانه ریگان در آمد یکی مرکزی صورت گرفته است.

در روز شنبه ۲۰ ژانویه نخستین دور مذاکرات دولت نیکاراگوئه با نیروهای کنترا در کوستاریکا به پایان رسید. دولت نیکاراگوئه نتیجه مذاکرات را رضایت بخش توصیف کرد.

ریگان در اولین نطق خود در سال جدید در برابر نمایندگان کتیره آمریکا به ستایش از "انقلاب محافظه کارانه" خود پرداخت. منظور از "انقلاب محافظه کارانه" همان سیاستی است که ریگان اسم نام گرفته و یکی از اشکال موج تازه "محافظه کاری‌نو" به عنوان آخرین تجلی ارتجاع امپریالیستی است. ریگان در نطق خود تقاضای بودجه بیشتری برای طرح "جنگ ستارگان" (اس.دی.آی) کرد. وی در مورد مذاکرات مربوط به کاهش تسلیحات با شوروی گفت: "ما موافقت نامه‌ها را به خاطر نفس آنها نمی‌خواهیم. ما تنها موافقت نامه‌هایی را می‌پذیریم که امنیت ملی و متحدین ما را تضمین کند."

بخشی از نطق ریگان به ستایش از تنش نانی اختصاص داشت و این که همه ملت باید سیاست‌گذار او باشد. وی بخش عمده‌ای از نطق خود را به ضرورت کمک به پاندهای ضد انقلابی و بویژه ضد انقلابیون افغانی و نیکاراگوئه اختصاص داد. وی از کتیره تقاضا کرد بودجه بیشتری به نیروهای کنترا

یکی دیگر از اشکال غارتگری

درصد از دانشمندان "آمریکایی" دارای جایزه نوبل، آمریکایی نیستند. یکی از مقامات بلندپایه آمریکایی چندی پیش گفت که کشور وی ۵۰ درصد مساله نیاز خود به ریاضی دان را از طریق متخصصین سفر کرده از شوروی حل کرده است. یک وجه معرکه گیری برای امثال ساخاروف اینگونه منفعت بری هاست. آلمان فدرال تاکنون ۲۰۰۰۰ تحصیل کرده دانشگاه از جهان سوم جذب کرده است. در این کشور تعداد زیادی پزشک خارجی به طبابت مشغولند. در این کشور از جمله به دلیل "رہایش مغزها" برای هر ۶۲۰ بیمار یک پزشک وجود دارد، این رقم بعنوان نمونه در غنا سرب ۲۹۰۰۰ نفر می زند؛ یک پزشک برای ۲۹۰۰۰ بیمار! افغانستان حدود ۲۰۰ پزشک افغانی دارد. در آلمان فدرال ۱۰۷ پزشک افغانی به کار مشغولند؛ حدود یک سوم کل پزشکان افغانی در خود افغانستان!

اصطلاح "قرار مغزها" را همه شنیده ایم. این اصطلاح دقت چندانی ندارد چرا که در آن نوعی "اختیار"، نوعی "انتخاب"، نهفته است. یکی از اینجای قرار می کند به آنجا تا مثلاً راحت تر زندگی کند و حتی به قولی راحت تر به تحقیقات علمی خود بپردازد. اصطلاح مناسب تر "رہایش مغزها" است. اینهم یکی دیگر از اشکال غارتگری امپریالیسم است.

اینک آماري چند در زمینه رہایش مغزها؛ کشورهای آمریکا، کانادا، استرالیا و کشورهای اروپای غربی بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ حدود ۸۰۰۰۰ دانشمند، پزشک، مهندس و فیزیولوژیست را متخصص را از آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به درون خود جذب کرده اند و از طبابت این رہایش ۱۲۰ میلیارد دلار نفع برده اند. تقریباً ۲ میلیون نفر از روشنفکران شاغل در آمریکا "جذب شده" های کشورهای دیگرند ۲۴ درصد اعضای آکادمی علوم آمریکا و ۴۲

حزب کمونیست بلغارستان: کنفرانس نوسازی

بحتهای مقدماتی وسیعی در سلوح مختلف حزب کمونیست بلغارستان صورت گرفته است. مساله عمده مورد بحث انجام یک سلسله اصلاحات اقتصادی است. چند روز پیش رومن کتورکیف قائم مقام ریاست بانک ملی بقیه در صفحه ۸

در روز ۵ شنبه هفته گذشته حزب کمونیست بلغارستان، یک کنفرانس حزبی برپا کرد که در آن ۲۲۲۵ نماینده شرکت داشتند. موضوع اصلی کنفرانس، بحث بر سر روند نوسازی (پرسترویکا) در بلغارستان بود. پیش از تشکیل کنفرانس،

همکاری شبکه ساواک خمینی در ایتالیا با نفوفاشیستها

خبرچینی و حتی در شرایطی محو فیزیکی فعالین ایرانی مخالف رژیم خمینی را دنبال می کرده است. در بازرسی از خانه یکی از اعضای حزب الهی دستگیر شده، گزارشهای ارسال افراد شبکه از سراسر ایتالیا کشف شده است. این روزنامه می افزاید افراد شبکه بنام دانشجو وارد ایتالیا شده به دنبال جاسوسی و نفوذ در گروههای سیاسی بوده اند. مزدوران خمینی در فعالیتهای عملی خود از کمک های نفوفاشیستها بهره گرفته اند. پس از افشای روابط گسترده وحید گرجی سرتروریست خمینی در فرانسه با نفوفاشیستها، این دومین بار است که اطلاعاتی در این زمینه انتشار می یابد. همچنین انتشار اخباری درباره فعالیت شبکه، مزدوران حزب الهی و ساواک خمینی، محدود به ایتالیا نیست. ماجرای "خانه ایران" در کلن (آلمان فدرال) که مرکز هدایت فعالیت ماموران رژیم است چندی پیش موضوع مقالات و گزارشهای مطبوعات شد. در سایر کشورهای اروپایی نیز مزدوران رژیم، دست اندرکار جاسوسی و تدارک عملیات تروریستی اند. این امر، افزایش هوشیاری مبارزان ایرانی در این کشورها را می طلبد.

چندی پیش در ایتالیا اقدام فلیچه کاسون با زپرس قضایی شهرونین در صدور حکم دستگیری ۱۰ نفر از افراد شبکه ساواک خمینی در این کشور، در مطبوعات بازتاب یافت و روزنامه های ایتالیایی به تفصیل در مورد ارتباطات و همکاری این شبکه با نفوفاشیستهای ایتالیایی گزارش دادند.

شبکه ساواکی های به ظاهر دانشجو، به ریاست فردی بنام "عبدی" قرار دارد و در شهرهای ونیز، ورونا، بیروجا، رجوکالابریا، رم، جنواریا و فعالیت می کند. به نوشته روزنامه "ریپوبلیکا" افراد این شبکه در ارتباط مستقیم با سفارت جمهوری اسلامی قرار دارند. شبکه مزبور تاسهای تفکاتنگی با دو گروه نفوفاشیست موسوم به "نار" و "موضع سوم" داشته است. این در گروه به علت دخالت در فاجعه بمب گذاری در ایستگاه راه آهن بولونیا در سال ۱۹۸۰ که به مرگ ۸۰ نفر انسان بی گناه انجامید، شهرت یافتند. از اقدامات شبکه مزدوران خمینی، جمع آوری نشانی و اسامی شهروندان ایرانی و عرب مقیم ایتالیا بوده است. روزنامه "ریپوبلیکا" می نویسد فعالیت شبکه مزبور هدف

برای اشتراك نثريات «كار» و «اكثريت» در خارج از کشور فرم زير را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «كار»	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
		۴۱	۴۴

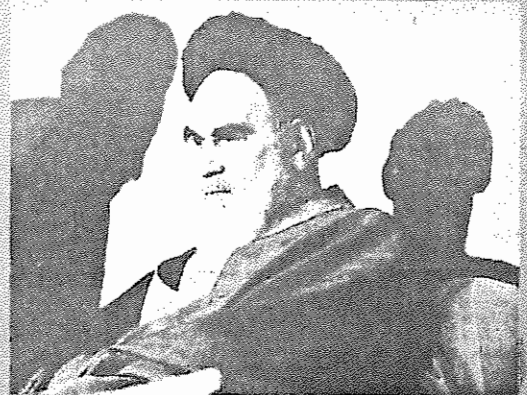
بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اكثريت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۴۷ مارك	۳۰ مارك
	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۰۴	۵۸
			۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

politica estera

la Repubblica martedì 22 dicembre 1987

Gli 007 di Khomeini



AKSARIYAT NO.

MONDAY, 1 FEB ,88

آدرس: Address: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen W. Germany

با جمع آوری کمک های فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید

حساب بانکی: AUSTRIA . WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701-650 DR. GERTRAUD ARTNER